

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۰

۲۲ سپتمبر ۲۰۱۱

اعتراضات زحمتکشان در لندن تنها آغاز راه است

بیا و خون را به سنگفرش خیابان ببین

بیا و ببین

خون را به سنگفرش خیابان

بیا و ببین خون را

به سنگفرش خیابان!

پابلو نرودا

اعتراضات خشمگین در حومه های فقیرنشین لندن به مدت شش روز ادامه یافت و طی آن حداقل پنج معترض به جان آمده در اثر تیراندازی پولیس کشته شدند. این اعتراضات تنها پس از سرکوب شدید از سوی پولیس بریتانیا مهار گردید و صدها تن پس از به ظاهر حکم محکمه و قاضی روانه زندان گردیدند. تنها به دلیل اعتراضات اخیر، تعداد زندانیان بریتانیا به ۸۶۰۰۰ تن رسید که بالاترین رقم در تاریخ این کشور است. دیوید کامرون پولیس را به دلیل عدم قاطعیت در مهار کردن اعتراضات مورد انتقاد قرار داد و دولت بریتانیا از افسر ارشد پولیس امریکا که تجربه طولانی در سرکوبی اعتراضات دارد، کمک خواست. طبعاً مشوره این کارشناس امریکائی به دولت بریتانیا چیزی جز زندان نبود. چون امریکا با داشتن چهار درصد نفوس جهان، ۲۵ درصد زندانی جهان را دارد و اکثریت سه میلیون زندانی امریکائی را سیاهان می سازند که امروز هم قسمت اعظم باری را بر دوش می کشند که نیاکان شان در سراسر تاریخ سه صد ساله برده داری امریکا بر شانه های زخمی حمل کردند. به دنبال تجمعات اعتراض آمیز کارگران و طردشدگان در میدان خورشید مادرید و زد و خورد میان معترضان یونانی با پولیس در آتن، اعتراضات لندن بار دیگر انحطاط و پوسیدگی سیستم اقتصادی سرمایه را که ایدیولوگ هایش آن را همچون بهشت برای همه شهروندان جامعه تبلیغ می کنند به اثبات رساند و ثابت کرد که این سیستم تنها به بازوی پولیس و زندان دوام آورده می تواند و بس.

در سال ۲۰۰۵ هزاران جوان افریقائی تبار در حومه های فقیرنشین پاریس در اعتراض به نابرابری حاکم در جامعه فرانسه شوریدند و با به آتش کشیدن صدها عراده موتر، مغازه و دکان، انزجار خود را از وضعیت حاکم به نمایش گذاشتند. فرانسه که با شعار آزادی، برادری و برابری و اعلامیه حقوق بشر شاهد پیروزی بورژوازی رادیکال در نتیجه انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ بود، بعد از آن، تاریخش با شبخون و خیانت نوشته شده است. جنایات و فجایعی که این کشور در مستعمرات افریقائی اش برای غارت منابع طبیعی و به بردگی کشاندن قاره سیاه افریقا انجام داده است، لکه ننگ ابدی است بر جبین تاریخ این کشور. بریتانیا و امریکا در سراسر جهان به مراتب خونبارتر از کشورهای غارتگر دیگر عمل کرده اند.

بریتانیا و فرانسه که در زمره شش اقتصاد برتر جهانند، از مرفوع ساختن ابتدائی ترین نیازهای زحمتکشان کشورهای خود عاجز مانده اند، چون با پیروی از نئولیبرالیزم تاچر و ریگان که اساسش در اواسط دهه هشتاد میلادی گذاشته شد، باید دولت ها باگذشت هر روز به برنامه های رفاهی زحمتکشان در کشور خود دستبرد بزنند و در بیرون از مرزها به لشکرکشی های بلاوقفه ادامه دهند تا نفس تازه در تن بیمار این سیستم بدمند. بانک جهانی و صندوق وجهی بین المللی این نسخه را که در سرلوحه اش خصوصی سازی لگام گسیخته قرار دارد، برای کشورهای کمتر توسعه یافته تجویز می کنند که تنها برای کمپنی های مربوط به کشورهای قدرتمند سودآور است و کشورهای کم قدرت را به روز سیاه می نشانند.

قدرت های غربی در حالی دست به سرکوب کوچک ترین اعتراضات زحمتکشان و محرومان جامعه خویش می زنند که با توپ و تانک و ب-۵۲ از به اصطلاح گسترش و تحکیم دموکراسی در کشورهای جهان سوم حمایت می کنند. بارک اوباما در تازه ترین پیام خود، فرمایش داد که حاکم جبار لیبیا (معمر قذافی) باید کناره گیری کند. حاکم جباری که در طول چهل و دو سال حاکمیت توأم با خونریزی اش هم از آخور شوروی خورد و هم از توبره غرب و امریکا. حاکم جبار حال باید برود چون غرب در پی معامله سودآورتر بر سر نفت لیبیا با افرادی است که تا دیروز بازوی اصلی رژیم قذافی را می ساختند.

در اوج اعتراضات لندن، رسانه های بنگاهی از قبیل بی بی سی که در اختیار غارتگران قرار دارند بی وقفه تلاش کردند تا این اعتراضات را در چشم جهانیان آشوب و غارتگری بنمایانند و با نشان دادن چند تصویر از «غارث»، اعتراضات را بی اعتبار سازند. از سوی دیگر این رسانه ها وقتی در تنگنا قرار می گیرند، کوشش می کنند بیکاری و فقر کشورهای ثروتمند سرمایه داری را ناشی از مشکلات تکنیکی و ناکامی در تطبیق برنامه ها نشان دهند در حالی که بحران های اقتصادی و عواقبش چون فقر و بیکاری و فحشاء و بی خانمانی در تار و پود این نظام دویده است و همین بحران هاست که «سرمایه داری را از گوش هایش آویزان می کند». در جهانی که وجب به وجب خاکش به خون زحمتکشان آغشته است، اعتراضات اخیر در اروپا به زودی به ثمر نخواهد نشست. اما یقیناً مشت های محکمی است که بر در و دیوار یک نظام پوسیده و ضد انسانی کوبیده می شود.